

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مصاحبه "مینو همتی" با "سحر صامت"
۰۷ نومبر ۲۰۱۷

نظرخواهی از فعالان حقوق زنان در شرایط کنونی افغانستان

<https://youtu.be/JzlUw-tfrDw>

وخیم شدن وضعیت زنان موانع و همچنان مشکلات برای حضورشان در جامعه و واکنش جامعه مدنی و مردم و همچنان نظرخواهی با تنی چند از فعالان حقوق زنان جامعه افغانستان مباحثی هستند که در این برنامه با "سحر صامت" از مدافعان و فعالان جنبش رهایی زن به صحبت نشسته و در میان می گذاریم. با سلام های بسیار گرم سحر صامت عزیز و خوش آمدید میگم به برنامه خودت.



سحر صامت: دورد بر شما و همکاران خوبان در سازمان و تلویزیون رهایی زن و همچنان بینندگان عزیز برنامه **مینو همتی:** با وجود وخیم شدن اوضاع زنان در افغانستان می پردازیم به موضوع ورود گلبدین حکمتیار پس از مصالحه دولت وحدت ملی به افغانستان

لطفاً برای مخاطبان ما کمی توضیح بدهید گلبدین حکمتیار کیست و حزب اسلامی چه سالی تأسیس شد؟
سحر صامت: گلبدین حکمتیار در پنجم ماه سرطان ۱۳۲۶ در کندز واقع در شمال افغانستان به دنیا آمد ، او برای دوره کوتاهی دانشجوی رشته مهندسی را در پوهنتون کابل بود.

او بنیانگذار حزب اسلامی در سال ۱۳۵۸ هجری شمسی است که یک تن از تندرو ترین رهبران احزاب افغانستان به شمار می آید. به مرور زمان این حزب در میان مردم افغانستان طرفداران زیادی پیدا کرد. حزب اسلامی یکی از طرفداران جنگ های داخلی در افغانستان در آغاز دهه هفتاد در این کشور بود و تعداد زیادی از مردم افغانستان به خصوص کابل نشینان با پرتاب راکت های حزب اسلامی به رهبری حکمتیار جان های خود را از دست دادند. حکمتیار باعث شروع دوره جدیدی از جنگ داخلی در افغانستان در سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ شد. در این جنگ ها تنها در شهر کابل بیش از ۵۰,۰۰۰ غیرنظامی کشته شده و موج عظیمی از مهاجرت ها از افغانستان به خصوص از شهر کابل آغاز شد. حزب اسلامی به راکت پرانی های کور و قتل هزاران انسان بی گناه غیر نظامی میان کابلیان متهم است. این حزب

کمک های مالی زیادی را از خارج افغانستان برای جنگ دریافت می کرد و عضو اصلی ائتلاف هفتگانه احزاب جهادی افغان ها در کشور پاکستان بود. همچنان این حزب بارها پس از شکست شوروی در افغانستان تلاش کرد تا قدرت و حکومتداری را به دست گیرد اما در این زمینه ناکام ماند. چندی قبل از روی کار آمدن گروه تروریستی دیگر به نام طالبان حکمتیار به عنوان نخست وزیر وارد شهر کابل شد و در بین سال های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ و همچنین در سال ۱۹۹۶ پیش از روی کار آمدن طالبان نقش ایفا کرد.

زمانی که گروه طالبان زمامداری را به دست گرفتند گلبدین حکمتیار پس از سقوط پایتخت به کشور ایران پناه برده و تا زمانی که حکومت طالبان فرو پاشیده نشد فعالیت سیاسی چندانی نداشت. پس از بین رفتن رژیم دیکتاتوری طالبان رهبر حزب اسلامی کشور ایران را ترک کرده و جای دیگر که تاکنون اطلاعات درست و موثقی از محل زندگی وی در طول این سالها در دسترس منابع خبری و رسانه ها نیست، رفت. پس از روی کار آمدن دولت موقت کرزی، این فرد به عنوان رهبر یکی از احزاب اسلامی و سیاسی به شدت درگیر جنگ با نیروهای امنیتی افغان و نیروهای خارجی شد. رهبر این حزب خواستار خروج نیروهای خارجی از افغانستان و تغییر در قانون اساسی این کشور شده بود. پس از روی کار آمدن دولت جدید تا امروز شاخه های انشعابی این حزب در عرصه سیاسی در افغانستان به شدت فعالیت داشته و دارند.

جالب هم اینجاست که دولت امریکا برای سر وی مبلغ ۲۵ میلیون دالر جایزه تعیین کرده بود. اوایل ماه میزان یا مهر ماه سال گذشته حکومت وحدت ملی به رهبری "اشرف غنی" و "عبدالله" اعلام کردند که مذاکرات صلح با حزب اسلامی به نتیجه رسیده است و یک هفته پس از اعلام این خبر توافقنامه صلح توسط اشرف غنی و حکمتیار به امضاء رسید و حکمتیار از طریق ویدیو کنفرانس از محلی کاملاً نامشخص در مراسم شرکت کرد. ملل متحد نیز به درخواست دولتمردان افغانستان حکمتیار را به بهانه آغاز صلح با گروه های شورشی و مخالف با دولت افغانستان از لیست سیاه در آورده و تحریم های بین المللی را بر وی لغو کرد. بعد از امضای توافقنامه ورود رهبر این حزب پس از گذشت هفت ماه در شهر لغمان اعلام شد. حکمتیار پس از بیست سال به کابل سفر کرد. البته همه ما می دانیم که سیاست های پشت پرده چیز دیگری است و امکان دارد که در گذشته طالبان ارگ نشین از کرزی تا احمدزی پیشاپیش زمینه را برای ورود مهیا کرده بودند.

مینو همتی: واکنش جامعه مدنی و مردم با ورود حکمتیار در عرصه سیاست و امضای تفاهمنامه میان او و دولت چگونه است؟

سحرصامت: پس از به امضاء رسیدن تفاهمنامه صلح توسط اشرف غنی و حکمتیار صدای اعتراض نهاد های مدنی و جامعه حقوق بشر و همچنان تعدادی از مردم بلند شد. شماری از شهروندان، فعالان جامعه مدنی و قربانیان جنگ، با راه اندازی یک گردهمایی در کابل، نسبت به آنچه که دادن مصونیت قضائی به گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی می خوانند، دست به اعتراض زده می گویند که کابل قصابش را نمی بخشد. این معترضان همچنین شعارهایی را که در آن «حکمتیار باید محاکمه شود، با جلاک کابل معامله نکنید، با قربانی کردن عدالت صلح به دست نخواهد آمد، کابل قصابش را نمی بخشد، قانون عفو لغو شود، نام حکمتیار از فهرست سیاه سازمان ملل حذف نگردد» نوشته شده بود، با خود حمل می کردند. آنها در قطعنامه خود نوشته اند: "ما جمعی از نهادهای، فعالان مدنی، نویسندگان، شاعران، هنرمندان و قربانیان، رسماً به این پیمان حکومت و حکمتیار اعتراض داریم".

در قطعنامه از حکومت، ملل متحد و نهادهای مدافع حقوق بشر خواسته شده که در مورد شماری از مواد توافقنامه صلح

با حکمتیار "تجدیدنظر" شود تا "عدالت به نام صلح قربانی" نشود .

مینو همتی: سؤال بعدی خود را اینگونه مطرح می کنم حضور رهبر این گروه به عنوان یکی از تندرو ترین رهبران احزاب سیاسی افغانستان چه موانعی برای حضور زنان در جامعه و دستاوردهایشان ایجاد می کند؟ همچنین شما با تنی چند از فعالان در این زمینه از جمله خانم های "فرشته نوری" از هالند "ویدا ساغری" و همچنان "لیلا جعفری" از افغانستان مصاحبه کردید و نظر ایشان را در این زمینه جویا شدید. در این زمینه نیز مایلیم نظرات عزیزان را به اطلاع مخاطبان برسانیم. مهمترین بخشی که امروز به صورت مختصر به آن می پردازیم ورود حکمتیار موانع و دشواری ها برای زنان است

سحرصامت : ورود حکمتیار و سهم گرفتن او در حکومتداری زنگ خطری برای آزادی و حضور زنان در جامعه و تهدیدی برای از بین رفتن دستاوردهای ۱۶ ساله شان از عرصه سیاست و اقتصاد گرفته تا فعالیت های مدنی آن هم در جامعه سنتی و کهنه پرستی مانند افغانستان است زیرا با اولین فرصت طبق احکام دینی تغییراتی کلی در قانون نابکاره اساسی افغانستان به خصوص در مورد حقوق مدنی اجتماعی زنان می آورد . دسته ای از فعالان شبکه های اجتماعی با باز نشر چند طرح گرافیکی علیه گلبدین حکمتیار ، از صلح با حزب اسلامی انتقاد کردند . به عقیده این کاربران، صلح با حزب اسلامی زمینه حضور آقای حکمتیار را در ساختار قدرت فراهم می کند و همین حقوق زنان را تهدید خواهد کرد . کاربری به نام بهار می نویسد: "هر کسی برای اعتراض به صلح و مذاکره با حکمتیار دلیلی دارد، من حقوق زن و انسانیت را در خطر می بینم، ورد تفکر افراطی و طالبانی به دایره قدرت ، جامعه ای که هنوز به "زن" سنگ می زند را به کجا خواهد کشاند؟

مجله گلاره همزمان با افزایش نگرانی ها در باره چگونگی وضعیت زنان در افغانستان پس از آمدن گلبدین حکمتیار رهبری حزب اسلامی به کابل و همچنین تلاش دولت برای آغاز مذاکرات صلح و کنار آمدن با گروه افراطی و زن ستیز طالبان، جمعی از دختران جوان در پایتخت اولین مجله خود را که نشر تصاویر دختران و زنان افغان است به عنوان مدلینگ لباس آغاز کرد.

از زمان ورود حکمتیار به افغانستان نیز میزان حملات و آمار تلفات جنگ های داخلی افغانستان بشدت رو به افزایش است. تعدادی از فعالان جامعه مدنی معتقد بر این اند که در حال حاضر حزب اسلامی به گونه غیر مستقیم در اوضاع و احوال سیاسی کشور دخیل است. یک تعداد از کاربران شبکه اجتماعی فیسبوک حمله به قول اردوی ۲۰۹ شاهین و همچنان حمله در منطقه وزیر اکبر خان و همچنان حمله به مسجد دشت برچی را که مسئولیت این حملات را گروه های دیگر بر گردن گرفته اند از برکت ورود گلبدین به افغانستان می دانند.

زنان سختی ها و مشکلات زیادی از زمانی که حکمتیار و حزبش وارد سیاست افغانستان شده و جنگ های داخلی را آغاز نموده تا به امروز متقبل شدند. چون این حزب افراطی و تروریست کاملاً با حضور زنان آزاد اندیش و در کل رشد زنان در جامعه مخالف است ورود این حزب به معنای تخریب دستاورد زنان و محو حضورشان از جامعه می گردد. همچنان موضوع دیگری که زنان را نگران می کند افزایش حملات انتحاری است. کشته شدن یکی از مشهورترین استادان حقوق و فعالان حقوق بشر افغانستان به همراه خانواده اش بر اثر حمله انتحاری در سال ۲۰۱۱ یکی از تکان دهنده ترین اخباری بود که مسئولیت حمله را حزب اسلامی و گروه تروریستی طالبان بر عهده گرفتند. با حضور این گروه در صحنه سیاست و دولرداری در افغانستان احتمال زیاد بالا رفتن آمار افزایش خشونت علیه زنان در خانه و جامعه ادیت و آزار های خیابانی [وجود دارد]

با تعدادی از فعالان جامعه مدنی و زنان مبارز مصاحبه ای داشتیم و نظر آنها را راجع به این موضوع پرسیدیم

فرشته نوری، ژورنالیست و فعال جامعه مدنی از کشور هالند چنین می گوید

این که آقای حکمتیار، ربانی، سیاف، مزاری و غیره رهبران مانند ایشان در گذشته چه کار کردند یا نکردند می گذاریم به تاریخ و مردم. اما فعلاً مشکل اصلی زنان افغانستان خود اشخاصی مانند آقای حکمتیار نیست. زنان افغانستان با ایشان و امثالش "منظور حضور فیزیکی است" مثل آن ها مشکل شخصی ندارند.

مشکل اصلی در مورد اندیشه و تفکری است که به ایشان تعلق دارد. هرچند این اندیشه و تفکر تنها از حکمتیار نیست. همین حالا در داخل نظام موجود، در رهبری دولت، کابینه، شورای ملی، شورای صلح،



شورای علماء، قوه قضائیه و غیره هم اشخاصی با این تفکر حضور دارند.

چیزی که واضح است، این است که صاحبان این تفکر تعبیر متفاوتی از دین در خصوص زنان دارند که شبیه تفکر طالبان است.

آقای حکمتیار و همزمان قبلی و فعلی شان قبل از اشغال افغانستان توسط روس ها و در زمان حاکمیت های قبلی نیز علیه نظام های وقت مبارزه می کردند و همواره از حاکم ساختن نظام اسلامی حرف می زدند.

در آن زمان نیز محور اصلی نظام دلخواه شان، موضوع چگونگی آزادی و عدم آزادی زنان، جایگاه و نقش زنان در حیات اجتماعی و سیاسی کشور بود و است.

البته صاحبان این تفکر هرگز تعریف واضحی از این تفکر شان ندادند. همیشه گفتند که آنها موقفی برای زنان می خواهند که خدا، پیامبر و اسلام گفته است. در حالی که این یک فرضیه کلی است.

ظاهراً هر کدام شان برای این فرضیه یک تعریفی جداگانه ای دارند که با احساسات و تفکرات خود شان مربوط است و دقیقاً نگرانی زنان بیشتر در مورد این فرضیه گنگ است.

مخصوصاً وقتی که در مورد این فرضیه شان سؤالی و یا انتقادی مطرح می شود، به بسیار آسانی پرسنده ها و انتقاد کنندگان را به کفر نسبت می دهند.

ما قرائت اولین دولت مجاهدین در سال های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶ و قرائت طالبان را نیز از این فرضیه ها دیدیم.

خوب اگر قرار باشد که آن دوره ها و آن تفکر در مورد زنان، تحصیل شان، کار شان، حق انتخاب شان در تعیین سرنوشت شان، نقش شان در امور سیاسی و اجتماعی جامعه دوباره تکرار شود، زنان حق به جانب اند که نگران باشند.

چون در این صورت سرنوشت آنها است که شرط سیاسی رهبران احزاب و حاکمین فعلی دولت می شود و واقعاً این همان فاجعه ای است که کسی نمی خواهد اتفاق بیفتد.

ویدا ساغری گرداننده برنامه های سیاسی و اجتماعی و همپنان فعال حقوق زنان

ویدا ساغری دیدگاه خود را در این زمینه اینگونه تشریح می دهد:

این آدم یک رها شده از تبعید گاه های سیاسی به قصد ترور و شکل دهی ناامنی بیشتر است. او مسؤول کشتن یک

میلیون کابلی است. مسؤول حملات انتحاری وحشیانه ای به نام استشهادی های وحشتناک است او مسؤول تیزاب پاشی به روی دختران و ترویج آن در شهرها مخصوصاً در کابل است. حال هم آمده تا بحث فاشیزم قومی را برای مهیا کردن هرچه بیشتر فضاء برای جنگ و فروش اسلحه آماده کند. او خود در مورد زنان هیچ گاهی نظری نداشته است و این بیشتر از کم اهمیت دادن به حضور و غیر حضور زنان در عرصه هاست به عکس پسرش را به این قسمت گماشته است که در جواب یکی از نوشته های من به من و زنان و مردان با دید گاه من بقیه "قورباغه" خطاب کرده گفت که می تواند ما را بسادگی زیر پایش له کند.

لیلا جعفری لیسانس علوم سیاسی و همچنان فعال حقوق زنان

به عنوان یک زن از افغانستان نگرانم، از بازگشت آقای حکمتیار به بدنه قدرت سیاسی افغانستان.



چرا که در دوره ای که جامعه افغانستان به سوی توسعه و مدرنیته گام برداشته بود و جایگاه زنان افغانستان در تمام سطوح و ساختارهای کشور برجسته می شد، اما ایدئولوژی هائی چون حکمتیار زنان را از

هسته جامعه و قدرت پس زدند. به روی زنان کابل تیزاب پاشیدند. درب مکاتب "مدارس" دخترانه را بستند. دختران را به ازدواجهای اجباری مجبور ساختند. موسیقی و آواز خوانی را برای زنان ممنوع ساختند و تمام این ممنوعیتها را رنگ و بوی دینی بخشیدند. آقای حکمتیار و همفکرانش جامعه افغانستان خصوصاً جنس زنان را سالها عقب مانده نگه داشتند تا امروز زن افغانستان نیازمند و بی سواد و فقیر جلوه نماید.

زن افغانستان امروز از خشونت های خانوادگی تا خیابان آزاری، دانشگاه آزاری و حتی مورد آزار و سوء استفاده در محیط کار قرار می گیرد. من نگرانم از افکار تندروانه آقای حکمتیار و همفکرانش.

اما چندی قبل رئیس جمهور افغانستان اعلام کرد که به هیچ فردی حق نمی دهد تا حقوق و جایگاه زن افغانستان و دستاوردهای یک و نیم دهه اخیر را از آنان سلب نماید.

لذا با تمام نگرانی هائی که پیرامون وضعیت زنان پس از پیوستن حکمتیار به نظام فعلی وجود دارد، اما من به آینده زنان و دختران جوان افغانستان خوشبینم. اما خواسته ام از زنان افغانستان این است که تحصیلات عالیه کسب کنند. توانا شوند در موارد تخصصی و به میدان رقابت و سیاست پای بگذارند جامعه جهانی باید دموکراسی نو پای افغانستان را حمایت کند برای سالهای آینده، خصوصاً زنان افغانستان را در راستای به دست آوردن حقوق و جایگاه اجتماعی و سیاسی شان حمایت های دوامدار و مؤثر نمایند. زن افغانستان از پایتخت تا دورترین قریه افغانستان باید سواد بیاموزد و در بخش اقتصادی حمایت شوند تا زنانی توانا و مستقل در تمام امور زندگی و جامعه باشند.

پس از سقوط رژیم طالبان و رویکار آمدن دولت ارتجاعی تاکنون زنان افغان با وجود افکار مردسالارانه و زن ستیزانه و همچنان افکار مذهبی و افتخار به کهنه پرستی ملت بسیار سخت کوشیده اند تا در عرصه های گوناگون مانند سیاست، اقتصاد، هنر، ورزش و فعالیت های مدنی برای خود و تاریخ زنان افغانستان دستاورد هائی به ارمغان بیاورند، اما از آغاز جنگ های داخلی تاکنون برای حضور در جامعه و پیشرفت در مسایل گوناگون با دشواری ها خطرات و تهدید های گوناگون روبه رو شده اند.

سحر صامت

دیدگاه من نیز به عنوان یک دختر از افغانستان از ورود گلبدين حکمتيار چنين است، با آغاز و ادامه درگيري ها هميشه از موقف و آزادي هاي زنان در افغانستان گرفته تا امنيت جاني و اقتصادي و همچنان دستاورد هايشان در يك جامعه سنتي و مردسالار با خطر مواجه مي شود و اين مسايل براي من به عنوان يك زن از آن سرزمين مهم بوده و تا جائي كه امکان وجود داشته باشد براي آزادي جاني و مالي زنان و همچنان دستاورد هايمان جنگيده و مبارزه خواهم كرد. متأسفانه در كنار حضور چنين گروه هائي در افغانستان كه مانع رشد و پيشرفت زنان مي شوند بانوان افغانستان چه در خانه و چه در بيرون از طرف خانواده ها حمايت نمي شوند هيچ، آنها تجربه هاي زيادي از آزار هاي اجتماعي را نيز دارند. در حدي اين آزار و اذيت هاي اجتماعي از طرف اكثر مردان بر آنها وارد مي شود كه خود زنان از مبارزه خسته و نه تنها حضورشان در جامعه كم رنگ بلكه به مرور زمان محو مي شود.

در اين برنامه بر تاريخچه جنگ هاي داخلي در افغانستان توسط گروه احزاب اسلامي به رهبري حكمتيار و انواع آسيب هاي وارد شده به زنان و دختران يك مرور كلي كرديم. زماني كه حكمتيار كابل را خط مقدم جنگ ساخته بود زنان زيادي مورد تجاوز هاي جنسي قرار گرفتند و سينه هايشان بريده شد تيزاب پاشي شدند و يك تاريخچه وحشتناك و خوفناك از حضور اين گروه در افغانستان به جاي ماند. براي همين شخص خود من ورود اين افراد را به عرصه سياست افغانستان يك زنگ خطر براي آزادي ها و دستاورد هاي زنان مي بينم. اين موضوع را با تمام وجود لمس مي كنم كه اگر چنين انسان بسيار كهنه پرست آن هم با افكار اسلامي افراطي جنايتكاري قدرت سياسي را در دست بگيرد در قدم اول قانون اساسي تغيير بسيار مي كند و به گونه مستقيم و توسط تطبيق ماده هاي ضد انساني و به خصوص ضد زن و احكامي كه خودش صادر مي كند خشونت را بر دختران و زنان آن سرزمين روا مي دارد .

و حقوق زنان را بيش از حال حاضر پايمال مي كند. پس از فروپاشي رژيم ديكتاتوري طالبان خون خوار و روي كار آمدن دولت ارتجاعي، زنان در افغانستان با وجود حاكميت ويروس مردسالاري و زن ستيزي و موج زدن افكار كهنه پرستي و مذهبي در ميان مردم تلاش هاي زيادي براي به دست آوردن ماهيت و حقوق انساني و اجتماعي خود كرده اند. در طول اين شانزده سال زنان افغان وارد عرصه هاي گوناگون چون سياست و اقتصاد، هنر، ورزش و سينما نيز شدند و دستاورد هائي كسب كردند. همچنان در زمينه فعاليت هاي مدني پس از سقوط دولت طالبان ديوار سكوت را شكسته و به خود اين اجازه را دادند تا صدای اعتراض خود را بلند كرده و حضور خود را در جامعه نشان دهند. به نظر من خيلي حيف است كه با ورود چنين شخصيت منفور سياسي دستاورد هاي زنان به خاک سپاه نشده شود. از ديده من حضور افراي چون گلبدين حكمتيار در جامعه خطري جدي به خصوص براي رشد فكر نسل جوان است زيرا چنين اشخاصي حكم ويروس را در اجتماع دارند. اميدوارم اشخاص و افراد آگاه به خصوص فعالان جامعه مدني در اين زمينه سكوت نكنند و زنان و دختران افغانستان باري ديگر قرباني سياست هاي چنگانه در اين سرزمين نشوند. زماني كه دولت افغانستان اعلام مصالحه با حكمتيار را كرد و پس از مدتي اين شخص در افغانستان حضور يافت صدای اعتراض فعالان و آگاهان سياسي و مدني به آسمان رفته بود. همزمان با اين مبارزات تعداد حملات انتحاري و انفجار در افغانستان به گونه چشمگيري افزايش يافت و تلاش بر اين بود كه با ناامن كردن جامعه تركز را به سمت دادخواهي براي قربانيان اين حملات بكشاند. اميدوارم كه هر چه زودتر باري ديگر تركز آگاهان جامعه مدني و جوانان به سمت موضوع اصلي دادخواهي "مصلحه با حكمتيار رهبر حزب اسلامي" جلب شود زيرا حضور اين فرد در آينده اي نچندان دور خطري بسيار جدي براي آلوده كردن ذهن جوانان به مسايل قومي، نژادي، زباني و افزودن اعتقادات قديمي و ديني بيشتر و منحرف كردنشان به سمت ناكجا آباد است./